زن و مرد خیانتکار در قهوه‌خانه به دام افتادند

خیانت به جنایت ختم شد

■ غلامرضا مسکنی

زن جوانی که با همدستی مرد مورد علاقه‌اش سال قبل شوهرش را به قتل رسانده‌بود، هنگام کشیدن قلیان در قهوه‌خانه‌ای با قاتل به دام افتاد.

اواخر پاییز سال قبل مردی میانسال در تهران به اداره پلیس رفت و گم‌شدن پسر ۳۵ ساله‌اش را به نام فریبرز اعلام کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «پسرم متأهل است و همراه زن و فرزند خردسالش در یکی از خیابان‌های شرقی تهران زندگی می‌کند. ما بیشتر به صورت تلفنی با هم ارتباط داشتیم و هر چند ماه یک‌بار هم او پیش من می‌آمد و چند ساعتی با هم بودیم. اوایل مهرماه با پسرم تماس گرفتم، اما تلفنش را جواب نداد و به همین دلیل به خانه‌اش رفتم و عروسم مدعی شد فریبرز مدتی قبل برای کار به کشور ترکیه رفته‌است. به حرف‌های عروسم اعتماد کردم و به خانه برگشتم و هر روز در انتظار تلفن پسرم بودم تا از حالش باخبر شوم تا اینکه چند روز قبل مردی با لهجه‌ای شهرستانی با من تماس گرفت و گفت از طرف پسرم تماس می‌گیرد. مرد غریبه گفت مرزنشین است و پسرم را به صورت غیرقانونی به کشور ترکیه منتقل کرده‌است و پسرم از او خواسته با من تماس بگیرد و به من بگوید نگرانش نباشم و حالش خوب است. پس از تلفن مرد ناشناس نگران پسرم شدم و از طرفی هم همسرش به من گفته‌بود چند ماه قبل پسرم به ترکیه رفته و الان احتمال می‌دهم اتفاقی برای پسرم رخ داده‌است و عروسم واقعیت را به من نمی‌گوید.»

■ **سفر به ترکیه**

با شکایت مرد میانسال، پرونده به دستور قاضی حسین گودرزی، بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران در نخستین گام از همسر فریبرز به نام مهناز تحقیق کردند. وی در ادعایی گفت: «شوهرم با خانواده‌اش ارتباط نداشت و هر چند ماه یک‌بار با پدرش تماس می‌گرفت. مدتی بود مشکل مالی پیدا کرده‌بود و اواخر تابستان برای کار به ترکیه رفت. چند روزی با من ارتباط تلفنی داشت، اما بعد تلفن همراهش خاموش شد و دیگر از او خبری ندارم.»

با ادعای زن جوان، مأموران دست به تحقیقات میدانی زدند، اما هیچ مدرکی برای خروج مرد گمشده از ایران به دست نیاوردند.

■ **ارتباط پنهانی**

از سوی دیگر مأموران در تحقیقات فنی دریافتند مرد گمشده برای آخرین‌بار وارد خانه‌اش شده، اما پس از آن از خانه‌اش بیرون نیامده‌است، بنابراین این فرضیه برای مأموران قوت گرفت به احتمال زیاد فریبرز در خانه‌اش به قتل رسیده و همسرش هم با طرح ادعای دروغین، قصد فریب مأموران را دارد.

با به دست آمدن این اطلاعات مأموران همسر وی را به صورت نامحسوس تحت‌نظر گرفتند و متوجه شدند مهناز با مرد جوانی به نام بهنام ارتباط پنهانی دارد. بررسی‌ها نشان داد بهنام از دوستان صمیمی فریبرز است و از چند سال قبل با فریبرز رفت و آمد داشته‌است. همچنین مشخص شد آخرین فردی که قبل از حادثه به خانه فریبرز رفته، بهنام بوده‌است و پس از حادثه هم آنها هر چند روز یک بار در قهوه‌خانه‌ای در یکی از خیابان‌های شرقی تهران با هم ملاقات دارند.

■ **بازداشت عاملان قتل در قهوه‌خانه**

دلایل و مدارک حکایت از آن داشت بهنام و مهناز در جریان سرنوشت فریبرز هستند و به همین دلیل صبح روز شنبه هجدهم فروردین ماه، مأموران به دستور بازپرس جنایی مهناز و بهنام را در قهوه‌خانه‌ای هنگام کشیدن قلیان بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

دو متهم ابتدا منکر جرم خود شدند، اما در نهایت صبح دیروز به قتل اعتراف کردند.

بهنام به مأموران گفت: «من با فریبرز دوست بودم و به خانه‌اش رفت و آمد داشتم. او به من اعتماد داشت، اما من نمک خوردم و نمکدان شکستم. مدتی قبل از حادثه متوجه شدم فریبرز با همسرش اختلاف دارد. آنها همیشه با هم مشاجره لفظی و درگیری داشتند و همین موضوع باعث شد من به همسر او نزدیک شوم و با هم ارتباط پنهانی برقرار کنیم. مدتی گذشت و ما به هم علاقه پیدا کردیم و تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم، اما فریبرز مانع رسیدن ما به هم بود و به همین دلیل دو نفری نقشه قتل او را طراحی و اجرا کردیم.»

■ **مهمانی مرگبار**

نقشه‌های زیادی برای قتل فریبرز داشتیم، اما در نهایت قرار شد من او را در خانه‌اش به قتل برسانم. شب حادثه به عنوان میهمان به خانه‌اش رفتم و او هم مثل همیشه از من پذیرایی کرد، اما خبر نداشت من با همدستی همسرش قصد قتل او را داریم. در فرصت مناسب با میله آهنی که از قبل آماده کرده‌بودیم، چند ضربه به سرش زدم تا اینکه فوت کرد. پس از قتل جسد او را پتوپیچ کردیم و به جاده کن سولقان بردیم و در آنجا جسد را آتش زدیم.»

مهناز هم در بازجویی‌ها گفت: «من و شوهرم با هم اختلاف داشتیم و همین موضوع باعث شد با بهنام دوست شوم و نقشه قتل شوهرم را طراحی و اجرا کنیم. پس از قتل، پدرش خیلی تلاش می‌کرد از سرنوشت پسرش با خبر شود و برای اینکه او را فریب دهیم بهنام با او تماس گرفت و خودش را مرزنشین معرفی کرد و مدعی شد فریبرز را به صورت غیرقانونی به ترکیه منتقل کرده‌است، اما پدر شوهرم مشکوک شد و در نهایت هم دست ما رو شد.»

با اعتراف متهمان، مأموران در بررسی پرونده اجساد کشف‌شده دریافتند جسد سوخته‌شده فریبرز اواخر تابستان سال قبل به صورت ناشناس کشف و به پزشکی قانونی منتقل شده‌است. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

کشف بقای جسد سوخته در چند قدمی خانه نازگل

احتمال جنایت قوت گرفت

یک ماه پس از گم شدن المیرا زارع، معروف به نازگل، دختربچه هفت ساله اصفهانی، بقایای جسدی سوخته که احتمال می‌رود متعلق به نازگل باشد در ساختمانی مخروبه حوالی خانه پدربزرگش کشف شد.

روز گذشته، ۳۱ روز بعد از گم شدن نازگل از حیاط خانه پدربزرگش در روستای دهکرم در شرق اصفهان، مأموران پلیس این‌بار همراه سگ‌های زنده‌یاب به محل حادثه بازگشتند. آنها بعد از جست‌وجوی دوباره خانه با کمک سگ‌ها قدم به ساختمانی مخروبه در همان نزدیکی گذاشتند و در میان خاکسترهای آتش افروخته شده، با نیم‌تنه جسدی سوخته مواجه شدند که احتمال می‌رود متعلق به نازگل باشد. بعد از آن بود که بقایای جسد برای شناسایی هویت به پزشکی قانونی منتقل شد.

در صورتی که هویت نازگل تأیید شود، گمانه‌زنی‌های اولیه حکایت از این دارد که او در محل دیگری به قتل رسیده، جسدش زیر خاک دفن شده و سپس بقایای آن به نزدیک محلی که نازگل گم شده منتقل شده است. با کشف بقایای جسد، پلیس با سرنخ‌هایی که عامل یا عاملان حادثه به جای گذاشته‌اند یک ماه پس از رقم خوردن حادثه هولناک در یک قدمی رمزگشایی از آن قرار گرفته است.

پرونده نازگل از صبح روز جمعه ۱۸ اسفندماه سال قبل به جریان افتاد. وقتی مأموران پلیس آگاهی اصفهان در محل حاضر شدند، خانواده نازگل برای پیدا کردن او همه روستا را جست‌وجو کرده بودند، با این حال مأموران تحقیقات خود را با بررسی‌های میدانی دنبال کردند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت نازگل آخرین بار هنگام بازی در حیاط خانه پدربزرگش دیده شده است.

پدربزرگ او در توضیح ماجرا به پلیس گفت: صبح جمعه وقتی از خانه بیرون می‌رفتم نازگل در حیاط بازی می‌کرد. ساعتی بعد مادرش تماس گرفت و سراغ نازگل را از من گرفت، اما نوه‌ام همراه من نبود. وقتی به خانه برگشتم شروع به جست‌وجو کردیم، ولی خبری از نازگل نبود. اهالی روستا به کمک ما آمدند و همه جا را گشتیم، اما نتوانستیم نازگل را پیدا کنیم، برای همین به پلیس خبر دادیم.

در شاخه دیگری از بررسی‌ها، مأموران پلیس ساختمان‌های اطراف را بررسی کردند و مشخص شد هیچ کدام از مسیرهایی که به محل حادثه منتهی می‌شود به دوربین مداربسته مجهز نیست برای همین بررسی‌ها با دشواری بیشتری دنبال شد. از سوی دیگر گم شدن نازگل نگرانی ساکنان محل و روستاهای اطراف را به دنبال داشت. ترس از وقوع حادثه‌ای مشابه سبب شده بود خانواده‌ها مراقبت از فرزندانشان را بیشتر کنند.

با این حال امیدواری از اینکه پلیس بتواند از پرونده رمزگشایی کند تنها روزنه‌ای بود که پیش‌روی همگان قرار داشت تا اینکه پلیس موفق به کشف بقایای جسدی شد که احتمال می‌رود با تشخیص هویت وی از سوی سازمان پزشکی قانونی یک قدم به کشف پرونده نزدیک شود.

قتل پناهنده ایرانی با شلیک پلیس سوئیس

■ آرمین بینا

برادر مرد ایرانی که پس از گروگانگیری در کشور سوئیس با شلیک گلوله به قتل رسیده‌بود، با حضور در دادسرای امور جنایی تهران گفت که برادرش تصمیم داشت مشکل اقامتش را حل کند که با شلیک گلوله پلیس آن شهر به قتل رسید.

روز بیست و پنجم اسفندماه سال قبل کارکنان فرودگاه امام‌خمینی (ره) به قاضی موسی رضازاده، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند جسد مرد جوانی که با شلیک دو گلوله به سینه و سر به قتل رسیده، از کشور سوئیس به ایران منتقل شده‌است.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات تیم جنایی نشان داد جسد متعلق به مرد ۳۵ ساله ایرانی است که شامگاه پنج‌شنبه نوزدهم بهمن ماه در شهر کانتون وو کشور سوئیس هنگام گروگانگیری ۱۴ مسافر قطار شهری و راهبر قطار با شلیک گلوله به قتل می‌رسد.

مأموران در بررسی‌ها دریافتند شب حادثه مقامات و پلیس شهر کانتون وو اعلام کرده‌بودند یک پناهنده ایرانی با چاقو و تبر ۱۴ مسافر و راهبر قطار شهری را گروگان گرفته و در نهایت او را با شلیک گلوله به قتل رسانده‌اند.

با به دست آمدن این اطلاعات، بازپرس جنایی خانواده وی را برای تحقیق به دادسرا احضار کرد و صبح دیروز برادر مقتول به دادسرا آمد و در توضیح ماجرا گفت: «ما اهل شهرستان پیرانشهر استان آذربایجان غربی هستیم. برادرم متأهل بود و الان هم پسر ۱۲ ساله‌ای دارد. او در کار خرید و فروش خودرو فعالیت می‌کرد و زندگی‌اش خوب بود تا اینکه چند سال قبل با همسرش اختلاف پیدا کرد و همسرش مهریه‌اش را اجرا گذاشت. همسر برادرم هر روز با مأمور به دنبال برادرم بود تا او را بازداشت کند و برادرم نیز خسته شده‌بود و یک سال و هشت ماه قبل به صورت غیرقانونی از کشور خارج شد و به کشور سوئیس رفت. برادرم درخواست پناهندگی داد، اما مقامات سوئیس امروز و فردا می‌کردند. در این مدت با برادرم ارتباط داشتم و متوجه شدم برادرم حیران و سرگردان کوچه و خیابان است. در این مدت ما برای او پول می‌فرستادیم تا اموراتش بگذرد. چند ماه قبل برادرم گفت دچار مشکل روحی و روانی شده‌است و در آن شهر تحت درمان قرار دارد. برادرم حتی چند باری در بیمارستان روانی بستری شده‌بود و پس از بهبودی مرخص می‌شد.

هر چقدر تلاش می‌کرد مسئولان شهر به او پناهندگی نمی‌دادند و خودش هم نمی‌دانست چه سرنوشتی در انتظارش است. روز قبل از حادثه هم به من گفت جلسه مشاوره با روانشناس داشته تا اینکه شب نوزدهم به ما خبر دادند با شلیک گلوله به قتل رسیده‌است. برادرم آن شب چکشی که مخصوص شکستن شیشه‌های قطار در حالت اضطراری است، برداشته و مانع خروج مسافران شده‌بود و به زبان انگلیسی به پلیس گفته بود قصد آسیب رساندن به هیچ کسی را ندارد و فقط می‌خواهد مجوز اقامت در آن کشور را بگیرد، اما پلیس به خواسته او توجهی نکرده و او را با شلیک گلوله به قتل رسانده‌بود. پس از این حادثه، ما وکیل گرفتیم و از پلیس و مقامات آنجا شکایت کردیم و پرونده ما هم در حال بررسی است. الان می‌خواهیم جسد برادرمان را دفن کنیم و قصد داریم اگر به حق و حقومان نرسیم از مقامات آن شهر شکایت کنیم.»

بدین ترتیب با درخواست شاکی، بازپرس جنایی به مأموران اینترپل دستور تحقیقات درباره این حادثه را صادر کرد.

قتل پدر به خاطر ۲۵ میلیون تومان

پسر ناخلفی که متهم است در درگیری پدرش را به قتل رسانده در بازجویی‌ها مدعی شد به خاطر طلب ۲۵ میلیون تومانی از پدرش دست به قتل زده است.

به گزارش «جوان»، روز شنبه ۱۸ فروردین‌ماه، قاضی حسین گودرزی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران از مرگ مشکوک مردی ۷۰ ساله در یکی از بیمارستان‌ها باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در بیمارستان دریافت مقتول شب قبل در درگیری با پسرش زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده است، اما بر اثر شدت جراحات یک روز بعد فوت می‌کند. پسر مقتول که روز حادثه بازداشت شده بود، صبح دیروز با اعتراف به قتل پدرش گفت: «مدتی قبل ۲۵ میلیون تومان به پدرم قرض دادم. هر وقت از او می‌خواستم طلبم را بدهد، امروز و فردا می‌کرد. شب حادثه به‌خاطر همین موضوع با پدر و برادرم درگیر شدم. من قصد قتل نداشتم و فقط می‌خواستم آنها را بترسانم که چاقو به پدرم اصابت کرد.» تحقیقات از متهم ادامه دارد.

۳ عضو خانواده با شلیک گلوله کشته شدند

سه عضو یک خانواده در شهرستان مهاباد با شلیک گلوله به قتل رسیدند. تحقیقات پلیس برای بازداشت عاملان حادثه جریان دارد.

ناصر عتباتی، رئیس کل دادگستری آذربایجان‌غربی گفت: به دنبال حادثه تیراندازی در یکی از روستاهای مهاباد مأموران پلیس آگاهی در محل حاضر شدند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که حادثه تیراندازی در خانه مسکونی اتفاق افتاده که در جریان آن سه عضو خانواده با شلیک گلوله اسلحه کلاشنیکف و اسلحه کمری جانشان را از دست داده‌اند. تحقیقات برای بازداشت عاملان حادثه جریان دارد.

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۴۰۰۰۵۲۰۰ - ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ هیات مستقر در واحد ثبتی جویبار به کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۲۱۱۳۳۱۰۰۱۴۰۰۰۴۹۳ ماده یک قانون مذکور، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خلیل توری فرزند اسمعیل نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین مشجر (باغی) بمساحت ۲۰۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک — فرعی از ۹- اصلی واقع در قریه پایین رودپشت بخش هفت ثبت جویبار خریداری از حشمت لامع محرز گردید. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۰ روز از طریق روزنامه محلی و کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نماید در غیر اینصورت اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۰۱/۲۰ نوبت دوم ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

سفا قاسمی

شناسه آگهی: ۱۶۸۹۷۷۲ رییس ثبت اسناد واملاک شهرستان جویبار

(آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی فریدونکنار)

{همشهریان عزیز تا فرصت باقی است نسبت به تعویض اسناد دفتر چهای خود اقدام فرمایید}

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ ، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی فریدونکنار مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد :

املاک متقاضیان واقع در فریدونکنار پلاک ۲ اصلی بخش ۱۱

۳۲۱ فرعی آقای خسرو سالیانی فرزند علی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی(کاربری زراعی) بمساحت ۲۹۷.۸۶ متر مربع خریداری از مالک رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۹۰۰۵۶۲۰ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۲

املاک متقاضیان واقع در فریدونکنار پلاک ٦٦ اصلی بخش ۲

۵۵ فرعی خانم فرشته جانی نسب درزی فرزند اسداله نسبت به ششدانگ عرصه یک قطعه زمین بمساحت ۱۹.۹۷ متر مربع بشرط تجمیع با پلاک ٦٧٤٢ فرعی خریداری از بنیاد مستضعفان مالک رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۹۰۰۶۲۰۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۳

۱۲۳ فرعی آقای روح اله سیفی فرزند فضل اله نسبت به ششدانگ عرصه یک قطعه زمین بمساحت ۲۱۷.٦۰ متر مربع خریداری از بنیاد مستضعفان مالک رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۹۰۰۵۹۵۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

۸۸٦ فرعی آقای رضا لاغر فیروزجائی فرزند عبدالنبی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۲٦.٤٦ متر مربع خریداری از مالک رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۹۰۰۶۱٦٤ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۳

۱۵۳۳ فرعی آقای رضا رحیمی فرزند رمضانعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۵٦.۱۱ متر مربع خریداری از بنیاد مستضعفان مالک رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۹۰۰۱۵۱٦ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۳

۱۵۷۸ فرعی آقای منصور یوسفیان کناری فرزند محمد یوسف نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ٦۲.۳۳ متر مربع خریداری از حسین تورانداز کناری مالک رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۹۰۰٦۲۱۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۳

۱٦۳۷ فرعی خانم زینب احمدی اخته چی فرزند علی اکبر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۳٦.۱۲ متر مربع خریداری از محمد تقی شیرزاد مالک رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۹۰۰٦۲۵۱ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

۱٦۵۵ فرعی خانم مرضیه نادری مطلق فرزند محمدمهدی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۵۳.۵۱ متر مربع خریداری میرزا محمد علی شیرزاد(سهم الارث ناصر) مالک رسمی برابر رای اصلاحی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۹۰۰٦۰۵٤ - ۱۴۰۲/۱۱/۲٦

۱۷۳۳ فرعی آقای محمد علی محمدزاده فرزند علی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱٦٦ متر مربع خریداری علی نصیری (سهم الارث محمد علی- روح اله -قدرت و حجت بالسویه) مالک رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۹۰۰٦۱۵۸ - ۱۴۰۲/۱۲/۰۳

قطعه ۳ تفکیکی از پلاک ۱۳۵۹٦ فرعی آقای حسن کاردر فرزند برار نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۵۳۰ متر مربع خریداری از میرشجاع حسینی مالک رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۹۰۰٦۱۷۵ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۳

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطلاع عموم میرساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید. **تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۸۱/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۲/۰۳**

شناسه آگهی: ۱۶۸۹۸۴۸ **علی اکبر کلاریجانی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک فریدونکنار**